انترناسیونال 757

متن سخنرانی مینا احدی در مورد نژادپرستی در پارلمان آلمان

**دفاع از دختران خیابان انقلاب و نقد سیاست مماشات دولت آلمان با جنبش اسلامی!**

روز چهارشنبه ٢١ ماه مارس به دعوت کمیسیون بررسی قانون اساسی و پیشبرد قوانین در بیست و دومین نشست این کمیسیون، سه کارشناس دعوت شده بودند تا در روز جهانی علیه تبعیض و راسیسم، در مورد راسیسم و حملات راسیستی در پارلمان آلمان در شهر برلین گفتگو کنند و سیاست مورد نظر خود را برای نمایندگان پارلمان توضیح دهند. در این نشست که به دعوت سه حزب سوسیال دمکرات و حزب سبز و چپ آلمان سازمان یافته بود نمایندگانی از همه احزاب سیاسی در قدرت و اپوزیسیون و نمایندگان پارلمان شرکت کردند و در یک بحث و گفت و شنود دو ساعته از کارشناسان سوال کرده و پاسخ شنیدند. از جمله این سه کارشناس مینا احدی فعال سرشناس مدافع حقوق انسانی از ایران بود که اولین سخنران این مجمع بود.

**راسیسم اسلامی و راسیسم نژادپرستانه دو روی یک سکه هستند!**

خانمها و آقایان محترم!

ما همه نگران رشد حملات راسیستی و حمله علیه یهودیان در آلمان هستیم. چرا که این حملات نه فقط اتفاقات وحشتناک روزانه ای هستند که تاثیرات مخرب روحی و جسمی برای قربانیان در پی دارند، در عین حال اینها بیانگر یک واقعیت تلخ در جامعه آلمان هستند. نفرت پراکنی علیه تعداد زیادی از مردم و آلوده کردن فضا بر علیه گروههایی از مردم امری گسترده و اجتماعی شده است. در چنین شرایطی ما شاهدیم که در برلین چگونه سازمانهای دست راستی علیه پناهندگان فضا سازی میکنند و چگونه سازمانهای اسلامی با براه انداختن راهپیمایی روزجهانی قدس در روز روشن در خیابان فریاد نابودی اسراییل را سر داده و علیه یهودیان شعار میدهند. علیرغم تمام تلاشهای چند ساله اخیر برای یک زندگی توام با صلح آزادی و آرامش و رفاه ما هنوز راه درازی در پیش داریم و مشکلات فراوان جلوی راه ما است. سوال اصلی اینست چرا چنین است و ما چه باید بکنیم.؟

یک نکته محوری در پاسخ دادن به این سوال از نظر من رابطه غلط دولت آلمان با جریانات اسلامی و با جنبش اسلام سیاسی است. این جنبش توانسته در آلمان جایگاهی پیدا کند و توجه ها را بخود جلب کند. این جنبش اما متاسفانه از طرف سیاست رسمی بی ضرر جلوه داده شده و حتی با احترام کامل با آن روبرو میشوند. بیش از همه حزب سبز و احزاب چپ سنتی و روشنفکران هستند که هر نوع انتقاد درست به اسلام را بعنوان "اسلامو فوبی" و یا "بیماری اسلام ستیزی "و یا "راسیسم " نامگذاری میکنند و منتقدین و مخالفینی چون من را به بخش راست جامعه منتسب میکنند. آلمان و اروپا نمونه بارز این سیاست غلط است که نقد و درگیر شدن با اسلام سیاسی را به گروههای دست راستی واگذار کرده اند و احزاب دست راستی از این اوضاع نهایت استفاده را کرده و برای خود نیرو جمع میکنند. چرا که نیروهای راسیستی فقط میتوانند با سو استفاده از بسیاری از سوالات بی پاسخ و مشکلات واقعی در جامعه به عنوان تنها نیرویی که "نقد" میکنند و "حرفی برای گفتن دارند" خود را به جامعه بفروشند.

اما یک واقعیت مهم در این کشمکش و جدال لاپوشانی میشود آنهم این است که، راستها و پوپولیستهای دست راستی و رادیکالهای اسلامی بسیار شبیه به هم هستند. آنها هر دو جریاناتی ضد زن، ضد همجنسگرایی، ضد یهود و دیکتاتور منش ودر یک کلام ضد انسانی هستند. با تصویر سنتی و مردسالارانه در مورد خانواده، با مخالفت و ابراز نفرت از یک رابطه جنسی برابر و آزاد و با سیاستهای ارتجاعی اشان در مورد حقوق انسانی، علم و مدرنیته و حقوق پایه ای شهروندان را به سخره میگیرند.

دست راستی ها همان ایده ایی را پیگیری میکنند که اسلامیستها، و همان خوابی را برای جامعه می بینند که اسلامیستها آنرا در نقاطی از جهان پیاده کرده اند.

این دو جریان انسان و فرد را به هویت گروهی تقلیل میدهند و بجای اینکه فرد و حقوق فردی شهروندان را فرض گرفته و افراد را با همه تنوع و تفاوتهایشان به رسمیت بشناسند، هر دو این جریانات پرنسیپ های پیشرو غربی از این نوع را توهمات و فریبکاری اروپایی نام می نهند.

برای مقابله با این دو خطر یعنی راستهای افراطی نژادپرست و اسلامیستها، ما باید بیش از اینها از پرنسیپ های یک جامعه آزاد و باز ، از پرنسیپ هایی که مردم برای آن مبارزه کرده اند، یعنی آزادی ، برابری، حقوق شهروندی، حقوق واقعی انسانی و سکولاریسم دفاع کنیم.

قدم های عملی اینست که ما باید با هر نوع نقض حقوق انسانی تحت هر نام و یا شرایطی مقابله کنیم. دولت آلمان باید به سیاست مماشات و کمک به سازمانهای اسلامی نقطه پایانی بگذارد. مقابله با نفوذ و تاثیرات نهادهای مذهبی در آموزش و پرورش در سیستم پزشکی و بهداشت و در مطبوعات و تحقیقات علمی باید بخشی از سیاست دولت باشد.

با مقابله با سازمانهای اسلامی نه فقط ما آنها را به عقب نشینی وادار میکنیم و از حقوق شهروندان دفاع میکنیم بلکه در عین حال باعث میشویم سازمانهای دست راستی و راسیستی نیز در آلمان عقب بروند. فقط با این سیاست میتوانند فرزندان ما بدون نفرت و خشونت در یک جامعه انسانی تر و آرامتر باهم بزرگ شوند و زندگی کنند. فقط با این سیاست میتوانیم در مقابل فاناتیزم و رادیکال شدن و مرتجع شدن افراد متاثر از راسیسم اسلامی و نژادی بایستیم.

من امیدوارم و تلاش میکنم که دولت آلمان بالاخره سیاستش را تغییر بدهد و در مقابل جنبش اسلام سیاسی ، یک سیاست درست در پیش بگیرد و با کسانی اعلام همبستگی کند که خود را از چنبره مذهب رها کرده اند. من امیدوارم بویژه مدافعین حقوق انسانی و مدافعین حقوق زنان ببینند که هم اکنون در ایران زنان علیه حکومت اسلامی و علیه حجاب اجباری مبارزه میکنند و با این مبارزه خطرات زیادی را بجان میخرند. چرا که حجاب یک تکه پارچه بی ضرر نیست و یا یک مدل لباس نیست. بلکه سمبل مردسالاری و فرهنگ ضد زن اسلامی است که اعلام میکند زنان انسانهایی برابر با مردان نیستند. حجاب یک وسیله سیاسی مهم هست برای سرکوب زنان و دخالت دادن مذهب در زندگی خصوصی افراد و اعمال قدرت روی افراد است.

من مبارزه متمدنانه و شجاعانه زنان در ایران را می ستایم و میگویم از این الگو باید درس گرفت و در آلمان هم آنرا پیاده کرد. یعنی بجای تولرانس و کنار آمدن با فرهنگ مردسالارانه و ضد زن، ما باید بالاخره از ارزشهای انسانی و پرنسیپ های رنسانس وآگاهگری دفاع کنیم . دولت با تغییر سیاست و در پیش گرفتن سیاست مقابله با دو جبهه ارتجاعی راسیسم و اسلامیسم، دشمنان جامعه آزاد مانند راسیست ها و اسلامی ها و ضد یهودیها و ضد پناهجویان را با مشکلات فراوانی مواجه خواهد کرد.